

# جایگاه والای امور تربیتی در نظام آموزش و پرورش

ابوالفضل صادقی<sup>۱</sup>

## چکیده

آموزش و پرورش یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی هر کشور محسوب می‌شود که نقشی اساسی در هدایت و تربیت افراد جامعه دارد. مدرسه به عنوان زیر مجموعه نظام آموزش و پرورش، مکمل نهاد مقدس خانواده بوده و مسئول شناخت و شکوفایی استعداد های نهفته نسل آتی است و محصول آن، دانش آموزانی هستند که سرمایه های آینده کشور بوده و تحول و پیشرفت آتی کشور در گروی سرمایه گذاری بر روی آنان است. مدرسه کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و فرهنگی فراوانی دارد که هر یک، شایسته انجام پژوهش های بنیادین است، اما بایستی گفت که مهمترین و اصلی ترین رسالت مدرسه، «پرورش انسان آتیه ساز» است، لذا امور تربیتی را بایستی از اساسی ترین ارکان مدرسه به شمار آورد که دارای جایگاه والایی در نظام تعلیم و تربیت بوده و ثمرات تحقق آن در میان دانش آموزان، همکاری و همیاری، ایثار، نظم پذیری، اخلاق خوب، هویت یابی و فراگیری اصول اخلاقی است.

**واژگان کلیدی:** آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، مدرسه، دانش آموزان، تربیت، امور تربیتی.

## مقدمه

یکی از مهم ترین آرزوهای بشر در طول تاریخ، همواره آن بوده که به یک جامعه آرمانی دست یابد و نیز شهروندانی تربیت شوند که نسبت به اهداف و آرمانهای جامعه ای که در آن زندگی می کنند، آشنا بوده و برای پیشرفت جامعه خود تلاش نمایند. مهارتهای لازم برای برخورداری از زندگی سالم فردی و اجتماعی را کسب کنند و به گونه ای پرورش یابند که با توجه به معیارهایی که در جامعه وجود دارد، به رشد و تکامل برسند. موضوع تربیت شهروندی از جمله مباحثی است که از قرنهای پیش، مورد توجه متفکران و اندیشمندانی بسیاری همچون افلاطون، ارسطو، کانت، دیویی و... بوده است و در چند دهه ی اخیر نیز متخصصان تعلیم و تربیت

---

[sadeghi9610@gmail.com](mailto:sadeghi9610@gmail.com)

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و فرهنگی استان قم.

بیشتر بدان پرداخته اند؛ لذا دامنه مباحث و پژوهشهای پیرامون آن، بطور فزاینده ای رو به گسترش است. بنا بر نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت، مدرسه جایی برای تمرین و تجربه عرصه های مختلف زندگی و یادگیری حقوق و مسئولیت های شهروندی و تربیت نسلی مسئولیت پذیر، مشارکت جو، آگاه و خردمند، برخوردار از مهارتهای حرفه ای و اجتماعی و درونی کردن هنجارها و ارزشهای حاکم بر جامعه است. مهمترین دغدغه عصر حاضر، مسأله آموزش و تربیت شهروندانی مؤثر و فعال در عرصه های مختلف زندگی است و با توجه به اینکه مفهوم و ماهیت شهروندی دارای ابعاد متفاوت است، نهادهای متعددی در تلاش هستند تا در تربیت شهروند مورد نیاز خود، به ایفای نقش بپردازند.

### اهمیت آموزش و پرورش

گفتنی است که آدمی تنها آفریده ای است که محتاج تعلیم و تربیت است. از تعلیم و تربیت در واقع پرورش، تادیب و تعلیم توأم با فرهنگ اراده می شود. از این قرار، آدمی متوالیاً طفل(نیازمند سرپرستی)، کودک(نیازمند تادیب) و دانش آموز(نیازمند آموزش) می باشد و بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند بود و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می سازد، نیست.(کانت، ۱۳۷۲: ۶۲). در اهمیت تعلیم و تربیت میتوان گفت که تحقق گوهر آدمی منوط به آن است؛ مراقبتهایی که تحت عنوان تعلیم و تربیت به آدمی ارزانی داده می شود، شرط لازم نیل آدمی به مرحله کمال انسانی است. نوزاد آدمی، چنانچه مشمول تربیت صحیح واقع شود، فرشته خوی گردد و چنانچه تربیت نشود از برکات آن بی بهره ماند، لذا نه تنها استعدادها و امکانات بالقوه اش به هدر می رود، بلکه به قهقرا می رود و به مرتبه بهائم، بل فروتر از آن، تنزل می یابد.(رک: شکوهی ، ۱۳۸۲: ۴۲). غزالی می نویسد: تو را حقیقت خود طلب باید کرد تا خود تو چه چیزی و از کجا آمدی و کجا خواهی رفت و اندر این منزلگاه، به چه کار آمده ای و تو را از بهر چه آورده اند و سعادت تو چیست و در چیست و شقاوت تو چیست و در چیست و این صفات که در باطن تو جمع کرده اند، بعضی صفات ستوران، بعضی صفات ددگان و بعضی صفات دیوان و بعضی صفات فرشتگان است. تو از این جمله کدامی و کدام است که آن حقیقت گوهر توست و دیگران، قریب و عاریت اند.(غزالی ، ۱۳۸۰: ۴)

آموزش و پرورش یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی می باشد، تا جایی که می توان گفت که کیفیت فعالیت سایر نهادهای اجتماعی به چگونگی عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد. آموزش و پرورش در پروراندن فرد و در بالنده ساختن جمع، نقش حیاتی دارد. شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی آنها در زمینه های مختلف و رشد موزون و متعادل انسان در جنبه های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی مسئولیت سنگینی است که آموزش و پرورش باید به انجام برساند. (ندیمی، بروج ، ۱۳۷۷: ۴).

خواجه نصیر، در اهمیت آموزش و پرورش می فرماید: شرف هر صنعتی که مقصود بود بر اصلاح جوهر موجودی از موجودات به حذف شرف آن موجود تواند بود در ذات خویش، و این قضیه ای است در عقل عقلا ظاهر و مکشوف و چون شریفترین موجودات این عالم نوع انسان است پس هر صنعتی که ثمره او کمال اشرف موجودات این عالم بود، اشرف صناعات اهل عالم تواند بود چه در نوع انسان شخصی یافته شود که اخس فرومایه تر موجودات باشد و شخصی یافته شود که اشرف و افضل کائنات بود و به توسط این صناعات میسر می شود که آدمی مراتب انسانی را به اعلی مدارج رساند و حذف استعداد و قدر صلاحیت او، سپس صنعتی که بدو اخس موجودات را اشرف کائنات تواند کرد، چه شریف صنعتی تواند بود. بطوریکه ملاحظه می شود وجود آدمی مجمع یک سلسله واقعتهای متضاد است و سیر تکاملی وی، تا حد زیادی، در گروی آن است که بتواند بین این قوای متضاد هماهنگی و تعادل ایجاد کند. (شکوهی ، ۱۳۸۲: ۴۳). در دوره ای از تاریخ دراز مدت حیات بشر، هدف تربیت ساده و محدود بود و خانواده همه نیازهای تربیتی فرزند را تامین می کرد، اما وسعت و تنوع ضرورتهای تربیتی تدریجاً به آنجا رسید که از خانواده در مقابله با آنها، ناتوانی هایی دیده شد و لازم آمد که مسئولیت سازندگی نسل جوان به افرادی شایسته تر محول گردد. از آن دوران که زندگی انسانها صورت بدوی داشت و تلاشهای روزانه به تامین غذا پوشاک و سرپناه محدود بود، آنچه را از پدر و مادر و محیط، خود به خود به نسل جوان منتقل می شد و به قدر کافی سازنده بود، فرزند خانواده لازمه زندگی روز را در آغوش طبیعت و تحت تاثیر محیط فرا میگرفت. در این دوره از زندگی انسانها به کوشش عمدی برای تربیت فرزند چندان نیاز نبود و اگر هم بود، پدر و مادر به این نیاز، توجه کمتری داشتند.

گفتنی است که خانواده یک واحد اجتماعی است که انسان بدون آن نمی تواند زندگی کند و خانواده خوشبخت نخواهد بود، مگر آنکه زن شریک مرد و مطیع او باشد و فرزندان از پدر و مادر فرمانبرداری کنند و ایشان را گرامی دارند. بر پدر واجب است که فرزند خود را تربیت کند و استعدادهای او را بارور سازد. حکومت باید ضروریات زندگی را در اختیار افراد اجتماع قرار دهد و جامعه را برای وصول به سعادت و کمال یاری کند.

ضرورت تربیت عمدی از زمانی توجه بیشتری یافت که صورت پیشرفته و پیچیده زندگی، کسب آمادگی برای مقابله با مسائل روزمره را ایجاد کرد و این آمادگی، به خودی خود و بدون تلاش فراهم نیامد، بلکه به مرور زمان، هر قدر زندگی انسان صورت کامل تر و پیچیده تری به خود گرفت، نیاز به تربیت عمدی با شدت و وسعت بیشتری احساس شد و کوشش پیگیر خانواده و جامعه را در امر تربیت اجتناب آموزش و پرورش زیر ساخت. تاریخ زندگی انسان متمدن، این دگرگونیها را بخوبی نشان می دهد.

امروزه نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمانهای پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشوری محسوب می شود و با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد و بتدریج از یک حالت ساده ابتدایی به یک حالت پیچیده درآمده است. ثمر بخشی این نظام از یک سو تبدیل کردن انسانهای مستعد به انسانهای سالم، بالنده، متعادل و رشد یافته است و از سوی دیگر، تامین کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخشهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. نظر به چنین اهمیتی است که در عصر کنونی، همه دولتهای جهانی از کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان و صنعتی تا در حال توسعه پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی می دانند و برای همگانی سراسری و حتی اجباری کردن تعهدات سنگینی در قانون های اساسی و بنیادی خود می گنجانند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص می دهد. امروزه بدلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فنآوری و پیشرفت های صنعتی، گرایش به سازمانهای آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است به حدی که یکی از شاخصهای مهم رشد بر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می دانند که نظام آموزش و پرورش آنرا به عهده گرفته است.

امروزه جهانیان به این نتیجه رسیده اند که درباره آموزش و پرورش، بایستی به نکات زیر توجه ویژه ای مبذول دارند:

- آموزش و پرورش یک سرمایه گذاری بلند مدت است که در سراسر عمر پدیدار می شود.

- آموزش و پرورش باید در سراسر عمر ارائه شود و در فراهم آوردن مناسب آن برای همگان کوتاهی نشود.

- آموزش و پرورش با زیست انسانی پیوند خورده و هرچه زندگی پیچیده تر می شود، ضرورت آن افزایش می یابد.

- آموزش و پرورش، امری پیچیده و پر دامنه است که سرمایه گذاری بیشتر، برنامه های نظام یافته و همکاری نهادهای گوناگون جامعه را می طلبد.

سازمان آموزش و پرورش از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و فراهم کردن زمینه تکامل و رشد آدمی، دارای اهمیت بسیاری است. از نظر اجتماعی، جامعه شناسان آموزش و پرورش را وسیله اداره و کنترل جامعه تعریف کرده و آن را عامل بقاء و دوام تمدنها به حساب آورده و بر این باورند که: مجموعه دانشها و مهارتهای بشری به میزان غیرقابل تصویری افزایش یافته و ارتباط انسانها هم پیچیده تر شده است. این امر رفته رفته نوعی دخالت آگاهانه را در جریان انتقال فرهنگ بشری از طریق ایجاد در گسترش سازمانهای آموزشی و پرورشی ضروری ساخته است. از نظر اقتصادی، آموزش و پرورش نوعی سرمایه گذاری پرثمر تلقی می شود که اثربخشی کیفی و کمی آن در دراز مدت بدست می آید، زیرا به کمک آموزش و پرورش، نیروهای کارآمد در بخشهای صنعت، خدمات و کشاورزی تربیت می شوند. از نظر فرهنگی و تشخیصی، انسان موجودی است آفریننده، مبتکر و هنرمند که کمال وی به دانستن و توانستن است. انسان سرشار از استعدادها، تمایلات، انگیزه ها و انرژیهای وسیع خدادادی است و قادر است عظیم ترین منابع و آثار هنری را خلق نماید. او در فطرت، از قدرت الهی بهره گرفته و می تواند تجلی استعدادها باشد و خلاقیت خود را در طبیعت بصورت صنعت و هنر ارائه دهد و به همین علت، تکامل و تعالی در گرو دانایی ها، تواناییها و خودسازی هایی است که از طریق دستگاه های تعلیم و تربیت جامعه تحقق می یابد. بنابر آنچه گفته شد، سازمان آموزش و پرورش با رشد و توسعه جوامع انسانی در ابعاد اخلاقی،

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ارتباطات بین المللی پیوندی ناگسستنی دارند. می توان گفت که نقش و رسالت سازمانهای آموزش و پرورش در دنیای امروز، تا جایی است که جوامع مختلف، انتظار دارند که این نظام پاسخگوی نیازهای معنوی و مادی قانون باشد و به عنوان یک اصلی و پر ثمر، تحقق نیازهای فردی و اجتماعی را ممکن سازد.

## تربیت در اصطلاح

متفکرین و دانشمندان علوم تربیتی، تعاریف مختلفی از تربیت ارائه داده اند که به نظر می رسد، دلیل اصلی این اختلاف ها، مبانی و یا اصول و اهداف آنها باشد. مشکل عمده این تعاریف، عدم جامعیت لازم و عدم توجه به اهداف تربیتی است. در میان دانشمندان اسلامی قدیم، برای تربیت، تعاریف مختلفی بیان گردیده است. از جمله: هدایت فرد بوسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت. (رک: بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

## اهمیت تربیت فرزندان

فرزند برای اینکه به کمال برسد، باید مورد تربیت و پرورش قرار گیرد. این وظیفه والدین است که با خصوصیات، مبانی، اصول، ابعاد، مراحل و روشهای تربیت آشنا گردند تا بتوانند در امر تربیت، از آنها مدد جویند. سعادت و شقاوت فرزندان، ارتباط فراوانی با خصوصیات والدین آنها دارد، بطوری که می توان گفت که اگر والدین فرد، مقید به اعتقادات دینی و اخلاقی باشند، می تواند افراد تحت تکفل خود را بسوی سعادت سوق دهد و در صورت نداشتن اعتقاد صحیح، از جانب والدین، خانواده بسوی شقاوت کشانده خواهد شد.

والدین در قبال فرزندان، وظایف مهمی از جانب خداوند متعال دارند که مورد تأکید قرآن کریم و پیامبران الهی است. پرسش اینجاست که روشهای تربیت فرزندان توسط والدین در قرآن کریم چیست و شامل چه مواردی است؟ این روش ها همه ساحتها و ابعاد مهم زندگی انسانها را شامل می شوند که مهمترین آنها عقلانی، اخلاقی، جسمانی و روشهای تربیت دختران و پسران در امر تربیتی می باشد. روشهای تربیتی عقلانی، مباحث مختلفی همچون روشهای تفکر، تزکیه، تعلیم، حکمت و... را شامل میشوند. روشهای تربیتی اخلاقی در واقع از اعتقاد انسان سرچشمه می گیرد. به این دلیل که اصول اعتقادی دین اسلام از جمله توحید، نبوت و معاد، اول به

فرزند آموزش داده می‌شود، تا اعتقاد او راسخ و محکم گردیده و مسیر زندگی او را مشخص کند و در بردارنده روشهای حبّ عبودیت، موعظه و نصیحت، الگوسازی با بیان داستان و مثال و امر به معروف و نهی از منکر می باشد. یکی دیگر از روشهای مهم تربیتی والدین، تربیت جسمانی است که عبارت است از : رعایت نظافت و بهداشت و تغذیه سالم و ممنوعیت از اسراف و ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی و... گفتنی است که اسلام برای تربیت دختران و پسران، روشهای متفاوتی معرفی کرده و برای آنان، تربیت متمایزی را در نظر گرفته است؛ چرا که آنها را دو گونه متفاوت خلق کرده و هر کدام را با ویژگی های خاص خود آفریده است تا بتوانند در کنار یکدیگر، مسیر کمال و سعادت را طی کنند. (رک: احمدی، ۱۳۷۵: ۴۷).

### اهمیت و جایگاه امور تربیتی

در بسیاری از متون مربوط به تعلیم و تربیت، جمله معروف «تزکیه بر تعلیم مقدم است» دیده می‌شود. بنظر می رسد که به سبب استناد به برخی آیات و روایات و نیز ادبیات اخلاقی و عرفانی، جمله یادشده به عنوان یکی از اصول محوری نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور تلقی گردیده است. همین گزاره به عنوان اصل سوم از اصول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران آمده است: «در نظام آموزش و پرورش باید تزکیه بر تعلیم تقدّم داشته و از هیچ یک از شئون تعلیم و تربیت منفک نباشد» همچنین در اصل ششم، چنین آمده است: «تعلیم و تربیت علاوه بر آموزش علوم و انتقال معلوماتی که سطح دانش و اطلاعات دانش آموزان را افزایش می دهد، به جهت رشد سایر ابعاد وجودی و کشف و هدایت استعدادهای متنوع دانش آموزان، باید برنامه های متنوع، جاذب و سازنده تهیه و به مرحله اجرا گذاشته شود» در این بخش تزکیه یا همان پرورش به عنوان رشد سایر ابعاد وجودی دانش آموزان یعنی ابعاد عاطفی، اجتماعی، سیاسی، مدنی، اخلاقی و دینی، تعبیر و آنرا از آموزش، متفاوت تلقی کرده اند و در نهایت بر اساس همین اصول، متوالی خاصی برای این فعالیتها در مدرسه و در سطوح بالاتر مدیریت پیش بینی شده است که همان مربی تربیتی و ساختار معاونت پرورشی است؛ لذا «شایسته است به دلیل اهمیتی که این نهاد در مدرسه و در نظام تربیتی ما دارد،

معلمان و مربیان در همه دروس به آن بپردازند و مساله مهم تربیت و پرورش دانش آموزان از مهمترین دغدغه های آنها باشد.»

(مطهری، ۱۳۸۷: ۴۶)

### اهمیت تعلیم و تربیت و امور تربیتی در آموزش و پرورش

اهمیت و ضرورت نظام تعلیم و تربیت بر هیچ کس پوشیده نیست و آدمی بدون این مقوله، فاقد همه چیز می‌باشد. رسالت اصلی تمامی انبیاء و اولیاء، تربیت و پرورش و رساندن انسان به سعادت و کمال است که خود منطبق با نیازهای فطری و درونی آدمی است، لذا تمامی صاحب نظران علوم تربیتی و مربیان تعلیم و تربیت، بر این مساله اتفاق نظر دارند که تربیت همواره بایستی همراه و حتی مقدم بر تعلیم باشد که همانا هدف والای خلقت در آفرینش است. (گلشن فومنی، ۱۳۷۹: ۹۷)

گفتنی است که بعد از خانواده، مدرسه مهم ترین نقش تربیتی را برای فرد در جامعه ایفا میکند. علاوه بر آموزشهای رسمی، آموزشهای غیررسمی مانند رفتارها و برخوردهای اجتماعی و... نیز به فرد آموزش می‌دهد. آموزش و پرورش هر کشوری سهم مهم و اساسی در سرنوشت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن کشور دارد. تقویت بنیه علمی و تربیتی کشور، انتقال فرهنگ به آیندگان و حفظ میراث گذشتگان، تقویت اراده ملی، ایجاد بینش سیاسی صحیح، برقراری روابط صحیح اجتماعی، تقویت پایه‌های اقتصادی و... از جمله کارکردهای نظام تربیتی است که مدرسه می‌تواند در رسیدن به آنها نقش مهمی داشته باشد. با بررسی جایگاه مدرسه در تحقق سیاستهای فرهنگی آموزش پرورش، می‌توان آنرا راهنمای عمل در عرصه مختلف آموزش و پرورش قرار داد و از این طریق، هماهنگی میان نهادهای تربیتی نظیر آموزش و پرورش، نهادهای دینی، رسانه ملی و خانواده را در عرصه تربیت افراد افزایش داد. با شناخت سیاستهای فرهنگی آموزش و پرورش می‌توان به ارزیابی و کنترل فعالیتها و اقدامات سازمانها و نهادهای مختلف کشور در عرصه تربیت و پرورش در مدارس پرداخت و از قوانین و برنامه‌های عملیاتی در عرصه آموزش و پرورش ابهام زدایی کرد.



وظیفه خطیر تعلیم و تربیت تنها بر عهده آموزش و پرورش نیست، چراکه یقیناً آموزش و پرورش، به تنهایی نمی‌تواند این مسئولیت مهم و خطیر را بخوبی ایفا نماید، لذا در این راستا برای تحقق اهداف خود که پرورش نسلی مفید و سودمند برای آینده است، نیاز به کمک و مساعدت دولت، حکومت، اجتماع، دستگاهها و نهادهای مختلفی همچون: خانواده، حوزه‌های علمیه، مساجد، رسانه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و... دارد.

گفتنی است که اگر مسئولیت سنگین تعلیم و تربیت یک طرفه و تنها بر دوش دستگاه آموزش و پرورش باشد، راه به جایی نمی‌برد. مدرسه را می‌توان به مثابه یک سازمان در نظر گرفت که دارای ساختارهای مختلفی هست و هم‌عنوان یک نهاد که کارکردهای گوناگونی را دارا می‌باشد. کودکان بعنوان امانتهای الهی در دست اجتماع می‌باشند که با همکاری و تعامل و برنامه ریزی دقیق و مناسب می‌توان آنان را برای فردای بهتر مهیا ساخت و مسیر رسیدن را برایشان تسهیل و هموار نمود. هر کدام از این عوامل در جای خود، دارای اهمیت بسیاری است، اما نقش نهادهای دینی، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها از حساسیت بیشتری برخوردار است. این نهادها دارای کارکردهای مشترکی در زمینه پرورش کودکان با یکدیگر هستند، از جمله: انتقال و حفظ میراث فرهنگی، دین پروری، آشناکردن کودک با هنجارها، ارزشها و باورهای اجتماعی و فرهنگی و... ضمناً ناهماهنگی میان آنها نه تنها بار مثبتی در پی ندارد، بلکه باعث آسیبهای بزرگ اجتماعی و بی‌هویتی و سردرگمی آنان می‌شود. (رک: مک کویگان، ۱۳۸۸: ۱۷۵)

## نتیجه گیری

انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف است؛ روح و بدن دارد، از بینشها، گرایشها و تواناییهای مختلف برخوردار است و با دیگر موجودات جهان ارتباطات خاصی دارد، از آنها تأثیر می پذیرد و بر آنها تأثیر می گذارد. از آنجا که تربیت، فرایندی جهت ایجاد، شکوفایی، تصحیح، تقویت، تعدیل و هدایت بینشها، گرایشها و استعدادها و تواناییهای انسان در ابعاد مختلف روح و بدن برای رسیدن به کمال مطلوب است، با همه این ابعاد و ساحتها سر و کار دارد. به این ترتیب، هنگامی که از تربیت سخن می گوئیم، در واقع از انواعی از قابلیت‌ها و ظرفیتهایی سخن می گوئیم که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارند و انسان برای وصول به کمال مطلوب خود، نیازمند آن است که با یاری دیگران، آنها را به فعلیت برساند یا آنها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند. به این ترتیب، یکی از اموری که در تربیت، باید مشخص شود، حوزه های مختلفی است که تربیت با آنها سر و کار دارد؛ یعنی برای تربیت، چه موضوعات و کدام استعدادها و قابلیت‌ها باید ایجاد، شکوفا، اصلاح، تعدیل، تقویت یا هدایت شوند. به همین ترتیب، چنانچه برای یک نهاد تربیتی معلوم نباشد که هدف خاص آن نهاد، آموزش چه دانشی یا پرورش کدام استعداد است، نه می توان از آن نهاد، انتظار برنامه ریزی درست داشت و نه ارزیابی دقیقی از کارهای انجام شده در چنین نهادی امکانپذیر خواهد بود. در واقع، نیازمندی های علمی و تربیتی انسانها نیز بسیار متنوع اند و هنگامی که پژوهشگران، برنامه ریزان و دیگر دست اندرکاران تربیت، درصدد بررسی این نیازمندیها، هدف گذاری و تعیین اصول و روشهایی برای تربیت بر می آیند، ناگزیرند حوزه این نیازمندی ها و استعدادها را تعیین و تفکیک کنند و به هر یک از آنها بطور جداگانه بپردازند؛ به همین دلیل است که در دانش تربیت، برای فرآیند تربیت و پرورش، ساحت‌های مختلفی در نظر گرفته می شود و به این وسیله، حوزه های خاص تربیت از یکدیگر، تفکیک می گردند.

## منابع و مأخذ

- احسانی، محمد (۱۳۷۸)، تربیت دینی خانواده، مجله معرفت
- احمدی، سید احمد (۱۳۷۵)، تربیت دینی و راههای وصول به آن، نشریه تربیت
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۸۸)، نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۲)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- غزالی طوسی، امام محمد (۱۳۸۰)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوی جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد اول
- کانت، ایمانوئل (۱۳۷۲)، تعلیم و تربیت، ترجمه غلامحسین شکوهی، انتشارات دانشگاه تهران
- گلشن فومنی، محمد رسول (۱۳۷۹)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، نشر دوران
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ سی و سوم، قم، نشر صدرا
- مک کویگان، جیم (۱۳۸۸)، بازاندیشی در سیاست فرهنگی، فاضلی نعمت اله، مرتضی قلیچ، تهران، دانشگاه امام صادق ع
- ندیمی، محمد تقی، بروج، حسین (۱۳۷۷)، آموزش و پرورش در سه مقطع (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) نظام جدید واحدی، تهران، انتشارات پیک ایران